

نگاهی گذرا بر روزنامه‌های تبریز از مشروطه تا عاشرای ۱۳۳۰ق با تأکید بر روزنامه‌های انجمن، امید، آزاد، حرف حق

دکتر سیروس برادران شکوهی
عضو هیئت علمی، دانشیار دانشگاه تبریز

روزنامه‌های تبریز

- تا جایی که اطلاع داریم بعد از تهران در میان بلاد ولایات، تبریز، که دارالسلطنه و ولیعهدنشین قاجار بود، به علت داشتن موارد زیر اهمیت بسیاری داشت:
- ۱- با کشورهای بزرگ و وسیع روسیه و عثمانی هم مرز بود.
 - ۲- در سر راه تجاری اروپا و آسیا قرار داشت و اغلب صادرات و واردات ایران به کشورهای غربی به‌ویژه روسیه و عثمانی از این شهر صورت می‌گرفت.
 - ۳- از لحاظ بازرگانی، رشد و توسعه تبریز بعد از تهران قرار داشت.
 - ۴- از لحاظ سیاسی نیز تبریز چنان اهمیتی داشت که ولیعهدها قبل از رسیدن به سلطنت در این شهر سکونت و حکومت می‌کردند.
 - ۵- موج مهاجرتهای اجباری مردم به‌تنگ آمده آذربایجان به دیار بیگانه به‌حدی بوده است که بنابه نوشته میرزا آقاخان کرمانی گویی: «اهالی آذربایجان همه در قفقاز و استانبول و آناتولی به‌سر



می‌برند»^۱ لذا به‌نوشته مولف تاریخ مشروطه ایران: «از روزنامه‌های رسمی که بگذریم نخستین روزنامه غیررسمی اختر بوده که کسانی از تبریزیان آن را در استانبول می‌نوشته‌اند. بعد که در خود شهرها روزنامه‌ها درآمده تبریز پس از تهران اولین شهر است که روزنامه بیرون داده.»^۲ و نیز به‌نوشته یحیی آرین‌پور: «... قدیمی‌ترین روزنامه‌ای که بعد از وقایع اتفاقیه در ایران و برای نخستین بار در شهرستانها دایر شده، روزنامه‌ای است به‌نام روزنامه ملتی که در تبریز منتشر گردیده است.»^۳

در دوره استبداد تا مشروطه نزدیک به شانزده روزنامه و مجله به زبانهای فارسی و ارمنی و به دو زبان فارسی و ترکی به اسامی زیر در تبریز طبع و توزیع شده است: روزنامه ملتی مملکت آذربایجان (نامه ملتی)، شبنامه، مدنیت، ناصری، الحديد= حدید، ادب، اتخاذ، احتیاج، معرفت، اقبال، گنجینه فنون، کورتر کار، آزاد-آرار (اطلاعات)، کمال، عدالت.

از اوایل انقلاب مشروطه به علت آزادی و فضای باز سیاسی در مملکت به‌ویژه بعد از صدور فرمان مشروطه و لغو توقیف و سانسور مطبوعات که در زمان ناصرالدین شاه به تولیت اعتمادالسلطنه برقرار بود بعد از «... آمدن نمایندگان آذربایجان به تهران موضوع آزادی مطبوعات توسط وکلای آذربایجان در مجلس مطرح و در اثر پافشاری آنان سانسور لغو و قانون مطبوعات به‌تصویب رسید و بدین ترتیب بند از پای مطبوعات برداشته شد که این قانون در شش فصل مشتمل بر ۵۲ ماده بود مطبوعات رشد بی‌سابقه‌ای یافت. تنها در فاصله سالهای ۱۹۰۶/۱۳۲۴ق تا ۱۹۰۸/۱۳۲۶ق بیش از صد و پنجاه روزنامه و مجله در ایران منتشر شد.»^۴

روزنامه‌های تبریز از مشروطه تا عاشورای ۱۳۳۰ق

روزنامه‌های تبریز در انقلاب مشروطه نقش آگاه‌کننده‌ای داشتند و در جهت‌گیری افکار عمومی و در روند تکاملی نهضت مؤثر بودند و در مبارزه علیه استعمارگران خارجی و رویارویی با عوامل داخلی و مستبدان، سلاح برنده قشرهای عدالتخواه به‌پا خاسته بودند.

نهضت مشروطه دگرگونی عمیقی در آگاهی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مردم به‌وجود آورد و آگاهی از چند و چون رویدادهای کشوری به شکوفایی روزنامه‌نگاری در ایران بخصوص



در تبریز انجامید. تنها در فاصله سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۰ ق نزدیک به چهل روزنامه با اسامی و به ترتیب سالشماری زیر در تبریز منتشر شد: روزنامه‌های ۱۳۲۴ ق

۱- /انجمن (ارگان انجمن ایالتی و ولایتی)؛ ۲- /ابلاغ؛ ۳- /اسلامیه (با مدیریت میرزا ابوالقاسم ضیاءالعلماء)؛ ۴- /اسلامیه (با مدیریت احمد بصیرت = بصیرالعلماء)؛ ۵- /امید (ارگان انجمن ادبی)؛ ۶- /اتحاد (ارگان انجمن اتحاد)؛ ۷- /آزاد؛ ۸- /دبستان؛ ۹- /خوت؛ ۱۰- /عدالت؛ ۱۱- /آنادیلی (زبان مادری) (به‌عنوان بخشی از روزنامه عدالت به ضمیمه آن منتشر می‌شد)؛ ۱۲- /مصباح؛ ۱۳- عبرت.

روزنامه‌های سال ۱۳۲۵ ق

۱- /آذربایجان (به نویسندگی میرزا علیقلی خان صفراوف، میرزا آقا بلوری)؛ ۲- /حرف حق؛ ۳- /شکر؛ ۴- /مجاهد (ارگان سازمان ایالتی سوسیال دموکرات و انجمن غیبی)؛ ۵- /ستاره سحری.

روزنامه‌های سال ۱۳۲۹ ق

۱- /حشرات الارض؛ ۲- /اتحاد؛ ۳- /آملا عمو (ارگان انجمن اسلامیه)؛^۵ انجمن اسلامیه در محله دوه‌چی (شتریان) در کوچه داش دربند، (دربند سنگی) روبه‌روی حمام مخروطیه و متروکه وزیر سابق واقع بود که بعد از تقطیع و تحدید محوطه وسیع آن هنوز هم نمای بیرونی آن باقی است؛ ۴- /خیراندیش؛ ۵- /نظمیه؛ ۶- /شورای ایران (ارگان انجمن مشورت)؛ ۷- /بلدیه (ارگان انجمن شورای بلدیه)؛^۶ ۸- /نالۀ ملت.

روزنامه‌های سال ۱۳۲۷ ق

۱- /استقلال؛ ۲- /مساوات (ارگان انجمن مساوات)؛ ۳- /بوقلمون؛ ۴- /محاکمات؛ ۵- /صحبت؛ ۶- /آراوود (صبح).

روزنامه‌های سال ۱۳۲۸ ق

۱- /فکر استقلال؛ ۲- /شفق؛ ۳- /تبریز؛ ۴- /زانک.

روزنامه‌های سال ۱۳۲۹ ق

۱- /سعادت؛ ۲- /شورای معارف؛^۷ ۳- /شیدا.^۸



به استناد «تاریخ مشروطه ایران» به هنگامی که در سراسر ایران روزنامه‌ای نبود جز روزنامه‌های دولتی در تهران، تبریز درست در گرماگرم جنگهای سرنوشت‌ساز خود شاهد طبع و توزیع روزنامه‌های: «انجمن»، «املاعمو»، «امید»، «آزاد»، «اتحاد ملی»، «ناله ملت» بوده است. این روزنامه‌ها که به طرق گوناگون در دسترس مردم قرار می‌گرفتند در عین حال که آنها را در جریان تازه‌ترین مسائل سیاسی روز قرار می‌دادند، تجلی‌گاه ادبیات و فرهنگ تازه پاگرفته و اجتماعی و انقلابی هم بودند و با سرعت و شتاب فزاینده‌ای افق‌های تازه و روشن‌تری را در زمینه‌ی ارائه‌ی مطالب اجتماعی و هجو و انتقاد و عدالتخواهی پیش چشم کوشندگان نمودار می‌ساختند و آنها را در خلق آثار مورد نیاز جامعه از خواب بیدار کرده و برای ترقی رهنمون می‌شدند. البته همه‌ی این روزنامه‌ها در یک سطح و یک روال نبودند و به یک زبان و سیاق منتشر نمی‌شدند، بعضی‌ها به زبان ترکی هم منتشر می‌شدند. اغلب این روزنامه‌ها مبلّغ و بلندگوی افکار و عقاید و منافع گردانندگانشان بودند و بعضی نیز طرف مردم پائین دست جامعه را می‌گرفتند و ناشر افکار و خواسته‌های مردم زحمتکش شهری و گاه‌داری روستایی بودند و به‌طور کلی خادم و منعکس‌کننده‌ی فرهنگ و نگرش سیاسی و معتقدات دینی و مذهبی مردم سرزمین خود بودند و نیز بسیاری از آنها ارگان سازمانها و انجمن‌های خاص خود بودند چنان‌که: «تبریز» ارگان انجمن تبریز، «دبستان» ویژه‌ی جوانان و نوجوانان، «نظمیه» ارگان اداره‌ی جدید الاحداث نظمیه (شهربانی) شهر، «مساوات» ارگان مجمع آزادمردان، «آراوود» (صبح) ارگان شعبه‌ی حزب دانشاکیون در تبریز بودند. به اقتضای مقاله، تعدادی از این روزنامه‌ها را در حد مختصر بازگو می‌کنیم.

مجلس ملی تبریز، روزنامه‌ی ملی، جریده‌ی ملی، انجمن یا انجمن تبریز

ظلام چو گرگ خواست ایران بدرد کردند بنای «انجمن» اهل خرد

آمد به دلم زهاتفی تاریخش پاریس جهان رشگ به ایران ببرد^۹

چنان‌که اشارت رفت روزنامه‌نگاری قبل از مشروطیت و از زمان محمدشاه قاجار آغاز شد. مع‌هذا رواج و رونق آن بسیار کم و بطئی بود. در این حال و احوال تنها مطبوعاتی توانستند در



میان مردم نفوذ کنند که نویسندگانشان از میان توده مردم محروم برخاسته بودند. درد آنها را می‌دانستند و حرف آنها را می‌نوشتند و خواهان دیگرگونی و تغییرات بنیادی می‌شدند. از جمله این روزنامه‌ها در صدر مشروطه روزنامه/انجمن بود: چوخ یاشا ای «انجمن» ای افسر فرق وطن* دولت مشروطه ایله، ملت ایتسون کسب امن.^{۱۰}

بعد از استقرار مشروطه، چون فعالیت انجمنهای ایالتی و ولایتی در سطح استان و شهرستان در قانون اساسی پیش‌بینی شد اولین انجمن ایالتی که تشکیل شد انجمن ایالتی تبریز بود. انجمن برای اینکه وظایف و فلسفه تشکیل و اصول خود را بشناساند و به اطلاع عموم برساند ناچار به انتشار روزنامه‌ای گردید لذا اعضای انجمن ارگان سازمان خود را به نامهای فوق و سرانجام به نام انجمن انتشار داد که غیر از وقفه‌های کوتاه مدت حدود چهار سال منتشر شد که شامل مطالب بسیار ارزنده اجتماعی و سیاسی چون «قرارداد ۱۹۰۷»^{۱۱}، «نشانه‌هایی از بیداری روستایی در آذربایجان در سالهای نخستین نهضت»^{۱۲}، «نقش زن در نهضت مشروطیت ...»^{۱۳}، «قتل میرزا علی اصغرخان اتابک...»^{۱۴} مع‌هذا به نظر محققان صاحب‌نظر معاصر: «اهمیت انجمن از لحاظ سندیت برای تاریخ مشروطیت کمتر از روزنامه صور اسرافیل نیست»^{۱۵} و زنده‌یاد استاد دکتر محمداسماعیل رضوانی در سلسله مقالات خود تحت عنوان «سیری در مطبوعات ایران» می‌نویسد:

«مهم‌ترین مطالب آن تلگرافاتی است طولانی و مفصل که بین وکلای آذربایجان در تهران و نمایندگان انجمن تبریز مبادله می‌شده است»^{۱۶} اما روزنامه خود را چنین معرفی می‌نماید: «این روزنامه آزاد منسوب به انجمن مقدس ایالتی از وقایع و اتفاقات یومیه شهر دارالسلطنه تبریز، ولایات جزو آذربایجان و ممالک ایران و مطالبی که راجع به منافع عامه باشد به زبان فارسی ساده می‌نویسد و مذاکرات انجمن ملی را به‌طور خلاصه به مشترکان محترم می‌رساند. مکاتبات و تلگرافات لازمه را محض اطلاع عموم درج می‌نماید. لوایح و مقالات مفیده به شرط امضا قبول می‌شود. وجه اشتراک بعد از ده نسخه دریافت می‌شود. با اینکه روزنامه به نسبت جمعیت تبریز که حدود سیصد هزار نفر بوده گاهی حتی در تیراژ پنج هزار^{۱۷} نسخه طبع و توزیع می‌شد مع‌هذا نسخه‌های آن هم در آن روزها و هم سالهای بعد از سایر روزنامه‌های آن زمان به مراتب نایب‌تر



بود تا اینکه اخیراً در سال ۱۳۷۴ش با مساعدت مالی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و با همکاری استانداری آذربایجان شرقی و با اغتنام از حضور و پایداری عده‌ای از دانشمندان بزرگوار و با کوشش جنابان جمشید کیانفر و عنایت‌الله رحمانی در دو مجلد با طرز نفیس به حلیه طبع آراسته و در اختیار مشتاقان قرار گرفت.^{۱۸}

نویسندگان روزنامه همه اهل قلم و فضل و دارای قریحه نظم و نثر بودند از جمله میرزا علی‌اکبرخان وکیلی (موسوی) چرندابی و میرزا محمودخان غنی‌زاده سلماسی^{۱۹} تحت عنوان نام مستعار «سروش غیبی» و سراینده قطعه زیبای «تجیر» و قصیده شیوای «هذیان شب» با مطلع: اینک بینم عجا تا تب است یا تصویر هیولای شب است؟ محمدآقا معین‌التجار، میرزاغفار واعظ چرندابی، میرزاجواد ناطق، میرزاجعفر خامنه‌ای^{۲۰}، میرزا علی‌آقا ثقة‌الاسلام شهید^{۲۱}، رضازاده شفق^{۲۲}، میرزا محمدعلی‌خان تربیت، سیدحسین‌خان عدالت و ... چنان‌که عنوان شد شاعران سروده‌های خود را به زبان ترکی و فارسی در این روزنامه منتشر می‌کردند و مردم را به شور و شوق وامی‌داشتند. دو سروده به‌عنوان نمونه ارائه می‌شود:

آه ای آزادگان از دست استبداد داد	خانمان شش هزار ساله را بر باد داد
یک نفر کز مادرش هنگام زاد آزاد زاد	بهر چه خود را به دست جور استبداد داد
هر دم از هر گوشه می‌آید این فریاد یاد	آه ای آزادگان از دست استبداد داد

خانمان شش هزاران ساله را بر باد داد.^{۲۳}

سروده ترکی

سوت امهر چوجق‌لر اویاندی	قیرمزی سنجاق‌لر اوجالدی
کوک‌لر آلوده خون اولدی	چالندی صور اسرافیل چالندی
بتون قانونلر یکسر پوزلدی	وطن قربانلری صف صف دوزلدی
ای مخلوقه رحم ایدنه الله	ای یاتمش‌لری آیلدان الله
تیلغراف سیملری یوریلدی	ملت قانی هیجانیه گلدی
ای مظلوملره مهربان الله	جوان شاهمرگ قلبنه مرحمت بخش اول



طرفداران استبدادی پامال ایت عساکر ظلمی مغلوب ایت
بیز ملت بیچاری رحمت ایت.^{۲۴}

امید

هویت روزنامه:

نام: امید؛

تاریخ انتشار اولین شماره، پانزدهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۲۴ مطابق نوامبر ماه سنه ۱۹۰۶؛
تاریخ انتشار آخرین شماره موجود، نمره ۲۱، ۳۰ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۲۵ مطابق ۱۹ آوریل سنه
۱۹۰۷؛^{۲۵} مدت انتشار: ۸ ماه؛ عناوین مختلف: ندارد؛ معوقه‌ها: ندارد؛ زمان انتشار: هفته‌ای یکبار
جمعه طبع و شنبه توزیع می‌شود (هفتگی، مصور)؛ محل انتشار: تبریز؛ قطع: ۳۰×۲۱ سانتی‌متر؛
تعداد صفحات: چهار صفحه؛ تیراژ: معلوم نیست؛ زبان: فارسی؛ آرم: ندارد؛
قیمت اشتراک: تبریز، سالیانه هفت قرآن، شش ماهه پنج قرآن، داخله ایران، سالیانه ده قرآن،
شش ماهه شش قرآن. خارجه، سالیانه دوازده قرآن، شش ماهه هفت قرآن، قیمت یک نمره،
چهارشاهی، اجرت پست به عهده اداره است. برای تغییر عناوین تمبر پانزده شاهی باید فرستاده
شود.

صاحب امتیاز: محصلان مدرسه لقمانیه؛

مدیر، سردبیر، زیر نظر ادیب الممالک فراهانی و جمعی از معلمان مدرسه؛

نویسندگان اصلی: اسامی مستعار: (ع.ح.ط.)، (ا.ق.ا.)، (ک.خ.)، (ع.ح.زاده)، (ع.ل.ف.)، (ع.چ.)،
(ف.ج.)، (م.ص.ط.)، (ا.ا.)، (ع.ا.)؛

اسامی حقیقی: حاجی آقا تبریزی، جواد طباطبایی، نظام‌الواعظین (نظام)، میرزا جواد آقا واعظ،
علی اکبر الحسینی، عبدالله، ابوالقاسم، یکی از نقاشان و طراحان این روزنامه سیدعباس الحسینی
بود؛

زمینه فعالیت: (مسلك و روش روزنامه): علمی و فرهنگی و سیاسی؛



تمایلات سیاسی: آزادی‌خواه و مشروطه‌طلب. (جریده‌ای است آزاد دایر به ترقی دولت و ملت و انتشار علوم و معارف از هرگونه وقایع و اخبار و سیاسیات و پولتیک و علوم و فنون و ادبیات و اختراعات و اکتشافات سخن می‌راند. مراسلات و مکتوبات مفیده از هر قبیل به شرط امضاء و تمبر پست قبول و در انتشارش اداره مختار است. صاحب کاغذ حق استرداد ندارد؛^{۲۶}

شماره دوره‌های موجود: ۲۱ شماره. (احتمالاً تا ۲۴ شماره منتشر شده است)؛

آگهی: دارد، قیمت اعلانات سطری پنج شاهی؛

نوع کاغذ: سفید کاهی؛

نوع چاپ: سربی؛^{۲۷}

محل چاپ: مطبعه امید؛

فهرست بعضی مندرجات شماره‌های موجود: دلیلی بر کرویت زمین، تأثیر الکل در بدن انسان، شرح زندگانی ارشمیدس حکیم، تحقیق احوال کنونی ایران و ایرانیان، ثمره جهل و نتیجه نفاق، قابل توجه وکلای ملت، قابل توجه اجزای دارالشورای ملی، حمیت و اتحاد، اخبارات خارجه و تلگرافات، مکتوب یکی از شاگردان مدارس، مکتوب یکی از شاگردان مدرسه پرورش، دارالسلطنه تبریز، قابل توجه وکلای ملت، مقاله یکی از شاگردان مدرسه لقمانیه، مکتوب ارونق.

روزنامه / امید زیر نظر انجمن ادبی مدرسه، که قدیمی‌ترین انجمن ادبی تبریز است، در مدرسه لقمانیه^{۲۸} تحت نظر مرحوم ادیب الممالک در حدود سال ۱۳۱۸ ق تشکیل یافت. در این انجمن تقی‌زاده، محمدعلی تربیت، سرلشکر قاسم‌خان والی (امیرتومان) و معلمان مدرسه و مویدالوزاره فرزند میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله تبریزی، میرزا فتاح‌خان فخرادهم (فخرالاطباء)، دکتر محمدحسین لقمان ادهم (لقمان الدوله)^{۲۹}، میرزا حسن‌خان احسن‌الدوله، عضو بودند. به تشویق همین انجمن بود که محصلان مدرسه لقمانیه موفق به چاپ و نشر روزنامه شدند. ادیب‌الممالک که از تبریز رفت انجمن نیز تعطیل شد. مدت کار و فعالیت اصلی این قدیمی‌ترین انجمن ادبی بیش از دو سال نبوده است.^{۳۰}

روزنامه / امید نیز مانند سایر روزنامه‌ها پیشرفت ایران را در گرو توسعه مدارس و برنامه‌های اصلاحی و نمایندگان مجلس شورای ملی می‌دید و در شماره‌های معدود خود پیکره‌های



- نمایندگان دوره اول تبریز و تنی چند از بزرگان پیشرو مدارس جدید چون میرزا علی خان امین‌الدوله را آورده و امیدهای خود را برای اصلاح آینده در برنامه‌ای چنین عنوان می‌سازد:
- ۱- اصلاح بودجه مملکت و تعمیر جاهای خراب و کندن کانالها و کاشتن جاهای لم‌بزرع و رسیدگی به سرحدات که به عهده دولت است.
 - ۲- بعد از اصلاح بودجه، افتتاح چند مدرسه و دارالفنون.
 - ۳- آوردن کارخانجات به خصوص کارخانه ریسمن و نساجی و قندریزی و کاغذسازی و کبریت‌سازی و مطبوعه کامل.
 - ۴- آوردن ماشینهای زراعتی و فلاحتی.
 - ۵- دادن لباس و جیره سرباز و توپچی در وقت و بدون کسر و تقلب.
 - ۶- تعلیمات نظامی به سربازان و اطفال تمام مدارس.
 - ۷- تخفیف تجارت با ممالک دشمن و رواج دادن امتعه داخله.
 - ۸- شوسه کردن راههای عمده و کشیدن راه آهن در صورت ممکن.
 - ۹- توسعه و نظیف کوچه‌ها به قدر امکان.
 - ۱۰- درآوردن معادن زغال‌سنگ و نفت و ... که در زیر خاک مانده‌اند.
 - ۱۱- افتتاح یک مدرسه پاریسی در هریک از پایتختهای سایر دول.
 - ۱۲- تعمیر بنا در خلیج فارس و جزایر و ساختن قلاع بحری و خریدن کشتیهای جنگی برای حفظ بنادر.
 - ۱۳- درست کردن اسلحه به طرز جدید.
 - ۱۴- تشکیل کمپانیهای متعدد و بانکها و کارخانجات شرکتی.
 - ۱۵- احياناً اگر کسی مثل بیچاره مشهدی جعفر خیاط تبریز اختراعی کند پا پی شدن و تکمیل کردن آن.
 - ۱۶- آزادی تامه و برابری بدون ملاحظه. روزنامه به انجام همه اصلاحات و پیشنهادات خود امیدوار بود و امید می‌داد.



آزاد

هویت روزنامه:

۱- نام: آزاد؛

۲- تاریخ انتشار اولین شماره: ۱۵ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۴ ق؛

۳- تاریخ انتشار آخرین شماره موجود:

۴- مدت انتشار: چند ماه؛

۵- عناوین مختلف: ندارد؛

۶- معوقه‌ها: ندارد؛

۷- زمان انتشار: هفتگی، مصور؛

۸- محل انتشار: تبریز؛

۹- قطع: ۲۷×۲۱ سانتی‌متر؛

۱۰- تعداد صفحات: چهار صفحه؛

۱۱- تیراژ: معلوم نیست؛

۱۲- زبان: فارسی؛

۱۳- آرم: ندارد؛

۱۴- قیمت اشتراک: هر نمره در تبریز سه شاهی، سالیانه: «در تبریز هفت قران. در سایر ولایات ایران: ده قران. در ممالک خارجه^{۳۱}: پانزده قران؛

۱۵- صاحب امتیاز: رضا تربیت برادر محمدعلی تربیت و میرزا محمودخان اشراف‌زاده؛

۱۶- نویسندگان اصلی: رضا تربیت، اشرف‌زاده؛

۱۷- زمینه فعالیت (مسلک و روش) روزنامه: در این جریده از هرگونه مقالات سیاسی و اقتصادی و علمی و صنعتی و تاریخی و ادبی گفتگو می‌شود و هر قسم مقالات سودمند عام‌المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزاد است.^{۳۲}

۱۸- تمایلات سیاسی: آزادی‌خواه و مشروطه‌طلب که به‌طور مصور انتشار می‌یافت؛

۱۹- شماره‌های موجود: چهار شماره (شماره‌های ۱، ۲، ۳ و ۴)؛



- ۲۰- آگهی: دارد، اجرت اعلانات سطری یک قران و در صورت تکرار ده شاهی گرفته می‌شود؛
- ۲۱- نوع کاغذ: سفیدکاهی؛
- ۲۲- نوع چاپ: چاپ سربی؛
- ۲۳- محل چاپ: تبریز؛
- ۲۴- محل توزیع: کتابخانه تربیت؛
- ۲۵- فهرست بعضی مطالب چهار شماره موجود آزاد: مظفردین و دنیا که با آثارش مشهور شده، «اسلامیان را بشارت» حرکت حریت پرستانه عالم اسلامیت در سلطنت مستبدۀ عثمانی نیز تأثیر کرده چنان‌که به موجب اخبار موثقی که داریم اهالی استانبول نیز در ضد حکومت حالیه که مجسمۀ استبداد است اعلان مشروطیت کرده‌اند.» «حقوق قانونی» در چهار شماره «بحریه دولت ژاپون»، «عکاسی» در دو شماره؛
- غرض از روزنامه‌نویسی: معلوم است که غرض از روزنامه نوشتن و تومار زندگی را سیاه کردن و اوقات حیوانی را در تفکرات پیرانه به سر بردن و تمتع از حیات برنداشتن، که ما خودمان را هموار کرده‌ایم، خدمت به حوزه پاک وطن مقدس است و در مقابل این اگر احیاناً نام کسی از هموطنان به انکاری برده شود و سهو و خطایش نوشته آید باید با چشم بی‌غرضی دیده و رنجیده‌خاطر نشود.

حقوق قانونی

«چون ملتی زنجیر اسارت استبداد را گسیخته و در جرگه حکومت مشروطه داخل گردید ... بر ما لازم است که در این موقع مهم و پرقیمت وضعیت خود را شناخته و از روی آشنایی به اصلاح نواقص دیرینه پردازیم. و برای حصول این مقصود بهترین وسائل این است که به وسیله اوراق ملیه، افکار ملت را جلا داده و از حقوق خود بی‌گانه‌انیم.

بعضی‌ها در میان عوام انتشار می‌دهند که آزادی خلاف شرع انورومورث و تولید هرج و مرج است و در اثبات مدعای خود تاویلات گوناگون بی‌اصل برای این کلمه مقدسه بسته و می‌گویند که اگر آزادی باشد مردم آزادانه و بی‌پروا به همدیگر شوریده و حقوق را پایمال



می‌نمایند. برای رفع این شبهات مغرضانه جسورانه صلاحی آزادی می‌زنیم تا عموم را معنای پاک این کلمه مقدسه واضح شده و از جان و دل طالب و هوادار آن باشند.

حقوق، قاعده و اندازه آزادی است. چگونه که حقوق بی‌حریت بیرون از خیز امکان است آزادی بی‌حقوق نیز ممکن نیست و این هر دو، فرداً فرو نمی‌توانند تصور بشوند کسانی که از روی حمایت نوع، طالب آزادی سر حد و حریت غیرمحدوده‌ای هستند سخت به خطا رفته‌اند. چه حریت تامه، ضد آزادی و اجتماع و انسانیت است. برای رفع همه این محذورات آزادی را دایره‌ای ترسیم نموده‌اند که اگر از آن خارج بشود اوضاع غلبه قوی بر ضعیف پیش می‌آید و اطلاق لغت آزادی بر این اصول غلط است.^{۳۳}

شماره دوم

«حقوق قانونی» که به چند قسم منقسم است: مانند مدنی و حقوق بین‌الملل شخصی و تجارتي و مرافعه‌ای که هر کدام را مختصر بیان می‌نماییم. اول حقوق مدنی که اساس حقوق شخصی است و این شعبه حقوق عمومی یک ملتی را که فرد فرد آن دارد شامل می‌باشد مثلاً امور خانواده، وارث و مالکیت و امثال آن. دویم حقوق بین‌الملل شخصی و منازعات شخصیه را که از قانون بین‌الملل روی می‌دهد حل می‌نماید و اداره آن باید در دست محکمه‌های مملکتی بوده باشد. سیّم حقوق تجارتي، چهارم حقوق مرافعه، بعد می‌نویسد اگرچه اعضای محترم انجمن مقدس طهران (مجلس شورای ملی) همه نواقص را هزار برابر امثال ما می‌دانند و ما را نمی‌رسد که ایشان را راهنمایی بکنیم ولی به مقتضای وظیفه ملیه که گفتن و نوشتن عقاد خیرخواهانه باشد یادآوری می‌نماییم که قانون اساسی را در سه جلد ترتیب بدهند. جلد اول اشخاص، دویم املاک، سیّم مرافعات، و مطالب را فصل به فصل با نمره بنویسند که موجب سهولت گردد. علاوه بر آن، برای هر یک از کارهای عمده نیز قوانین علیحده ترتیب بدهند از جمله قوانین مرافعه، تجارتي اجراییه و اطلاعات جنایتی، قانون جنگلی که امتیاز هیزم‌شکنی و میوه‌چینی، معدنی، قانون عدالت نظامی که از قوانین عادیه باید مجزی باشد. قانون دهات که بدهی رعیت را به ارباب معین نموده و سلوک



او را به دهاتی بیچاره که محترم‌ترین اعضای هیئت اجتماعیه باید بشود در دایره قانون مقید می‌نماید و رسوم سرشکن و حق کدخدا و ضابط و مباشر را موقوف دارد.

... همه کس می‌داند که ترقی ملل مختلفه در آن واحد ممکن نبوده و تدریجی الوصول می‌باشد. سر ترقیات سریع‌الوصول ملت ژاپن مطابقت قوانین اروپا با قواعد خود کردند و در نتیجه مسافت سیصد ساله دول اروپائی را در سی سال طی نمودند باز هفده ماده پیشنهاد کرده و آنها را اساس حکومت مشروطه می‌داند.^{۳۴}

نام: حرف حق؛

تاریخ انتشار اولین شماره: ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ق؛

موقوفه‌ها: ندارد؛

عناوین مختلف: ندارد؛

شعار روزنامه: هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق؛

زمان انتشار: هفتگی و ان‌شاءالله به تدریج زیاد خواهد شد؛

محل انتشار: تبریز، خیابان مجیدیه اداره سابق (عدالت)؛

قطع: ۱۱/۵×۶/۵ سانتی‌متر؛

تعداد صفحات: چهار صفحه؛

نوع چاپ: سربی؛ تربیت می‌نویسد: چاپ «حرف حق» بخصوص خوب است؛^{۳۵}

محل چاپ: امید (امید ترقی)؛

قیمت: صد نسخه: تبریز، ده قرآن، ولایات داخله: (پانزده قرآن)، خارجه (بیست قرآن)، قیمت یک

نسخه، دو شاهی، تبریز (سه شاهی)، سایر ولایات: (سه شاهی).

زبان: فارسی؛

مدیریت و نگارش: سید نعمت‌الله (جاوید)؛^{۳۶} براون نعمت‌الله را اصفهانی نوشته است؛^{۳۷}

زمینه فعالیت: آزاد و ملی و طرفدار منافع اسلامی و مسلکش در هر خصوص میان‌روزی و حفظ

مراتب اعتدال است. صدر هاشمی به نقل از براون مسلک روزنامه را (سیاسی، محافظه‌کار و

اعتدالی) نقل کرده است؛^{۳۸}



تمایلات سیاسی: محافظه‌کار و مشروطه‌طلب؛

آگهی: ندارد؛ شماره‌های این روزنامه امروزه خیلی کمیاب بل نایاب است. لذا سر خط مطالب کپی شماره دو، سال اول آن را به جهت آگاهی از چند و چون مطالب روزنامه می‌آورم: امتداد ایام صلح و آسایش تبعه، برای پادشاه بهتر از خزاین مدفونه است. ترجمه لایحه‌ای که هیئت ترقی خواهان عثمانی خطاب به عساکر و صاحب‌منصبان عثمانی مقیم سرحدات ایران از پاریس طبع و نشر نموده‌اند، آثار بیداری که در این دوره اخیر در کلمه ایرانی‌ها پیدا شده جداً جالب نظر دقت دولتمند مجاورترین این مملکت که سالهاست در سر تقسیم و استیلای آن با یکدیگر در کشمکش هستند، تلگراف مخصوص (میان‌دوآب): حضرت والا فرمانفرما وارد ساوجبلاغ شد، (ارومی): جودت بیگ پسر طاهر پاشا رئیس کمیسیون عثمانی به‌عنوان سیاحت به شهر، ارومی آمده بعد از دو سه روز توقف معاودت کرد و خود طاهریاشا با محتشم‌السلطنه (محمودخان) ملاقات نمود.

نتیجه

بررسی حوادث و وقایع تاریخ معاصر در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری و ... به‌علت موانع متعدد، که اهم آنها را می‌توان استعمار خارجی و استبداد داخلی قلمداد کرد، چنان‌که شاید و باید بررسی و روشن نشده است، تلاش بی‌وقفه‌ای به‌عمل آمده است که وقایع تاریخی در هاله‌ای از ابهام و سردرگمی باقی بماند و حتی الامکان نانوشته و حتی فراموش گردد و بر این اساس، حتی به وارونه و دگرگون ساختن وقایع نیز برخاسته‌اند. تا توانسته‌اند با ایجاد محیط خفقان و قشری‌گری و یک‌سونگری در نیست و نابودی و تضییع و تباهی اسناد و مدارک برآمده‌اند، در این راستا از جمله منابع و مأخذی که بیشترین صدمه و لطمه را دیده‌اند روزنامه‌ها و مطبوعات است که دسترسی نداشتن به دوره کامل اغلب روزنامه‌های مذکور در این مقاله شاهد گویایی بر این مدعا است.

در دو سده اخیر منابع و مأخذ علوم به‌طور کلی از جمله علوم فلسفی و جامعه‌شناسی و به‌ویژه تاریخ از بی‌توجهی خاص مسئولان و دست‌اندرکاران حکایت دارند. بر این اساس، رشته



تاریخ و از آن جمله شاخه روزنامه‌نگاری و نشریات بیشترین بی‌توجهی را در تنظیم آرشیو مربوط و مجلد ساختن دوره‌های روزنامه‌ها و نشریات و تکثیر و آماده‌سازی شماره‌ها و دوره‌های نایاب از داخل و خارج و تهیه و تألیف زندگینامه دارندگان آنها مواجه بوده و هست. نتیجه اینکه امروزه که ارزش مطبوعات در استنادات حوادث تاریخی بر همگان روشن و مبرهن شده نه تنها از دوره کامل روزنامه‌های گذشته نشانی نیست حتی گاهی در دسترسی به شماره‌های معدود و در حد نمونه نیز با مشکل و دشواریها مواجه هستیم. به طوری که در مقاله حاضر به‌رغم تلاش و دوندگیهای بی‌وقفه گاهی حتی شماره‌ای از روزنامه‌های مورد نظر را امکان دسترسی نشد. لذا به‌ناچار بررسی آنها متوقف گردید.

طی دو سده اخیر ضربه وارد بر نابودی مطبوعات که وسیله و ابزار اساسی بررسی‌های تاریخی است به قدری عمیق است که جز با توجه بنیادی و ضربتی و همه‌جانبه جبران مافات ممکن نیست. بنابراین علاوه بر پیشنهاد گنجاندن چند واحد درسی در برنامه‌های آموزشی مقاطع مختلف تحصیلی تکمیلی دانشگاهها و تشکیل کنگره و سمینارهای ویژه مطبوعات و نشریات و فراخوان مقاله، اختصاص بودجه خاص به جهت احیای مطبوعات کشور بخصوص ایالات و ولایات را به‌عنوان گامی کوچک برای جبران مافات گذشته خواهان است.

از حدود چهل روزنامه عنوان شده در مقاله حاضر به دوره و گاهی به شماره‌های معدود تنها چهارده روزنامه البته در بعضیها به طور ناقص و در حد یک یا چند شماره دسترسی حاصل شد. به ۲۶ دوره از روزنامه‌ها آن هم در فاصله زمانی محدود شش سال به‌هیچ‌وجه دسترسی ممکن نگردید و این خود عظمت فاجعه نابودی روزنامه‌ها را نزدیک به ۹۲ سال از تاریخ ۱۳۳۰ قمری تا حال می‌رساند لذا برای احیاء و بازسازی روزنامه‌های از بین رفته و ناپیدا تشکیل پژوهشکده مطبوعاتی را حداقل در دانشگاههای مادر پیشنهاد می‌کنیم و آرزو مندیم چنین نهادهایی در سازمانهای فرهنگی پا بگیرد.



مجاهد

یاد و شرح روزنامه‌نگاران و نویسندگان مقالات و سرایندگان سروده‌های انقلابی و مردمی و مفسران تحولات نهضت چون سیدمحمد شبستری (ابوالضیاء)، میرزا حسین خان عدالت، علیقلی خان صفراوف، محمدعلی تربیت، یوسف اعتصامی، سیدحسن تقی‌زاده، میرزا محمودخان غنی‌زاده سلماسی، سعید سلماسی، رضازاده شفق، میرزا ابوالقاسم ضیاءالعلماء، میرزاآقا بلوری تبریزی، میرزاآقا ناله ملت، سیدحسن شریف‌زاده، حاج‌علی دوافروش، مشهدی محمود اسکندانی، محمدرضا مساوات شیرازی، کربلاحسین فشنگچی تبریزی، میرزااسماعیل یکانی، حسین امید، میرزااحمد سهیلی، ابراهیم شمس، عبدالحسین خازن و دهها شخصیت دیگر را مقاله و نوشته دیگری باید.

اما همین روزنامه مجاهد و بعدها صاحب امتیاز الحدید و روزنامه ایران نور را در تهران سید محمد شبستری معروف به «ابوالضیاء» عهده‌دار بود.

هویت روزنامه

- ۱- نام: مجاهد؛
- ۲- تاریخ انتشار اولین شماره: نهم ماه شعبان ۱۳۲۵ ق برابر با ۱۷ سپتامبر ۱۹۰۷ م؛
- ۳- تاریخ انتشار آخرین شماره: ۲۷، غره ذیحجه الحرام ۱۳۲۵ ق برابر با ۶ ژانویه ۱۹۰۸ م؛
- ۴- مدت انتشار: ۳ ماه؛
- ۵- فاصله انتشار: از شماره یک تا شماره پنج (مجاهد)، هر هفته دوبار و از شماره پنج تا شماره آخر (۲۷) هر هفته سه بار طبع و توزیع می‌شد؛
- ۶- محل انتشار: تبریز، تمچه (تیمچه) حسینیه، اداره روزنامه؛
- ۷- قطع: ۶/۵×۱۰/۰۶ سانتی متر؛
- ۸- تعداد صفحات: چهار صفحه؛
- ۹- قیمت: اشتراک سالانه: تبریز پانزده قران، سایر بلاد ایران بیست قران؛



ممالک خارجه: (۲۵) قران. یک نسخه در تبریز: دو شاهی سایر بلاد ایران: سه شاهی است. وجه آبونه از هر کس و از هر جا مقدمتاً گرفته می‌شود.

۱۰- زبان: فارسی؛

۱۱- آرم روزنامه: تا شماره پنج عنوان روزنامه با خط جلی درشت سیاه وسط دو دست که هر دو با انگشت سبابه اشاره به نام روزنامه مجاهد دارند. از شماره پنج، شیر و خورشید ایستاده شمشیر به دست بین‌الهالین.

۱۲- مدیر و سردبیر: در شماره‌های موجود ذکری از مدیر و سردبیر نیست. اما آنچه از کتب مربوط به جراید و مجلات بر می‌آید مدیر آن سیدمحمد شبستری معروف به «ابوالضیاء» است و در کار نشر و پخش آن حاج میرزا آقا بلوری وی را یاری می‌داد.

۱۳- زمینه فعالیت: سیاسی، اجتماعی؛

۱۴- تمایلات سیاسی: ارگان شعبه ایالتی حزب سوسیال دمکرات و مرکز انجمن تبریز و انجمن غیبی بود؛

۱۵- آگهی: اعلان کتب و هر از گاهی چاپ اعلانهای عدلیه. مقالات سودمند به حال دولت و ملت با امضاء پذیرفته می‌شود و اداره در طبعش آزاد است؛

۱۶- محل چاپخانه: تبریز، مطبعه اسکندانی؛

۱۷- نوع چاپ: سربی؛

۱۸- مسلک روزنامه: این روزنامه مبارکه، که به نام مجاهد طبع و نشر می‌شود و گفتگو خواهد کرد از راه و رسم و اجرای آیین مشروطیت که مبنای آن بر شرع شریف و دین حنیف است از روزی که بنای اساس مشروطیت گذاشته شده جمعی از مشروطه خواهان خود را به اسم مجاهد اعلان کرده و خود را وقف اعلاء کلمه مشروطه و خدمت ابنای وطن نمودند و ما جماعت مجاهدین این روزنامه را تأسیس کرده خواستیم عقاید حق پسندانه خود را آزادانه در این جریده مسموع خاص و عام نماییم و در این ضمن از وقایع شهری و مملکتی و پولتیکی و سیاسی آنچه فعلاً موافق صلاح مملکت است درج خواهیم کرد. در حفظ ابنای نوع جدّ وافی کرده تا رمق در تن داریم نخواهیم گذاشت که حقوق شخصی و نوعی و شرفی و مالی و شرعی و عرفی آنها



پامال عدوان یا جاه‌طلبی یا غرض شخصی دیگری بشود و از قادر لایزال مسئلت می‌نماییم ما را در این مسلک پایدار و به خدمت نوع و ابنای وطن و مملکت موفق فرماید.

این روزنامه بیشتر مطالب مربوط به مجاهدان و فداییان را در خود منعکس می‌ساخت چنان‌که چون عباس آقا تبریزی، امین السلطان را در تهران ترور کرد عکس او را در صفحه اول شماره سوم خود انتشار داد و تجلیل بسیار کرد و مجاهدان را تشویق و ترغیب نمود که عکس او را به قنداق تفنگهایشان نصب کنند و چون حسین خان باغبان هم در جنگ با طرفداران استبداد کشته شد عکس او را هم چنین کردند:

تا خلق بدانند که ما عاشق و مستیم در راه وطن از سر و از جان بگذشتیم
در شماره پنج، آمدن کردان ماکو و امیدی که مخالفان به این قوای مهاجم اقبال‌السلطنه ماکویی بسته بودند و آنها توانستند تا کناره‌های تلخه‌رود و پل منجم برسند روزنامه نوشت:

شبان ما مگر در خواب ناز است که گرگان را ره اندر گله باز است
مگر اقبال ما ادبار گشته که از ناموس ایرانی گذشته

چنان‌که در کتب مربوط به مشروطه آمده به جهت احیای حس همکاری و الفت و اتحاد چون دید و بازدید کویها از یکدیگر آغازید و مردم شور دیگری یافتند، مردمی که تا دیروز سرنوشت خود را در دست کارگزاران قاجار می‌دیدند امروز خود به‌پا خاسته و خود را شریک مسائل کشور می‌دیدند. مجاهد در شماره ۱۳، پنجم شوال‌المکرم ۱۳۲۵ ق تحت عنوان: صورت مجلس اتحاد عموم اهالی محلات نوشت: شب جمعه مطابق با شب عید فطر عموم آقایان علما و سادات و حضرات تجار و اصناف در مسجد مشهور - امامزاده چرنداب (خانیم امامزاده‌سی) برای جلب اتحاد و اتفاق و تألیف قلوب از عموم سکنه و سایر اجله و محترمین، مجلس بسیار باشکوهی تشکیل داده بودند. پس از اجتماع جمعیت و صرف چایی و شربت آقای میرعلی‌اکبر (وکیل سراجان) برخاسته مردم را امر به سکوت کرده سپس نطقی بسیار فصیح قریب بدین مضمون ادا نمودند:

«ای هموطنان گرامی و برادران مذهبی امروز باید ما فرقه مشروطه‌خواهان که با قلب صدیق و خاطر سلیم فقط برای حفظ بیضه اسلام و محض پاس حقوق اسلامیان پای بدین دایره وسیع



نهاده‌ایم انظار دول همسایه و توجهات ملل اجنبیه با دوربینهای پیش‌بین دوراندیش تمام حرکات و سکنات ماها را دیده کشف و تجزیه می‌کنند. یقین بدانید همسایگان ما علاوه از فرقه مغرضین و مستبدین که به فرمایش امام المتقین (ع) برای ما حکم دشمنان خانگی را دارند منتظر یک بلوای ملی گوش به زنگ و شورش داخلی هستند که بلکه سادات محترم را که نماینده ذرای حضرت خاتم (ص) هستند با حضرات مجاهدین طرف نمایند و نتیجه، مقصود خود را نایل گردند. از عموم برادران دینی استدعا داریم که به عرض پیشگاه حجة الاسلام و علما اعلام دامت برکاتهم برسانند و از مقاصد دون همتان آگاه سازند که نیت فاسد و خیالات کاسد اینان عاقبت دول اجنبیه را به مردم خود خواهند رساند و ایشان نیز به بهانه امنیت تبعه خودشان بدون هیچ مقدمه عساکر خودشان را داخل مملکت نموده خاک هزاران ساله ما را که به چه خون جگری از اسلاف و نیاکان عظیم‌الشان به یادگار مانده متصرف خواهند گشت همین قدر عرض می‌کنم. حرم در پیش حرامی در پس اگر رفتید بردید و اگر خفتید مریدید فصاحت نمایید و دوباره بدتر از اولی ما را اسیر چنگال استبداد و گرفتار پنجه حکومت مطلقه خودشان نسازند. ای برادران عزیز اعمال و اطوار خودتان را بزودی اصلاح نمایید و چنان‌که از بدو اساس مقدسه مشروطیت بیدق افتخار به دست ما آذربایجانیان افتاده باز طوری کنید که این نیکنامی و سعادت جاودانی مبدل به بدنامی و ادبار تاریخی ما نگردد و گرنه وای اگر از پس امروز بود فردایی بعد از میرعلی‌اکبر سراج، میرزاحسین واعظ آن خطیب آزادی در پله دوم مند ایستاده دو بیت شعر خواندند:

صبح است همی مؤذن آواز کشید	آوازش را از دور گوش شنید
یعنی که رسید از دو سو سیل فتن	ای بی‌خبران ز خواب غفلت بجهید

آملا عمو

روزنامه آملا عمو ارگان انجمن اسلامی و بیان‌کننده خواسته‌های سرجنابان آن انجمن در تبریز بود. این با انجمن ایالتی و ولایتی چشم و همچشمی داشت. به تقلید از مشروطه‌خواهان که متکی به آیات عظام نجف بودند اینها نیز به آقا سید کاظم یزدی، که از لحاظ فقه و علوم اسلامی و مرجعیت از سرآمدان عصر خود بود، روی آوردند و نیز در مقابل روزنامه انجمن ارگان انجمن



ایالتی و ولایتی روزنامه‌های اسلامی، *آملا* عمو را منتشر ساختند به‌ویژه روزنامه *اخیر* را (به سال ۱۳۲۶ق) در نیم ورق خشتی با چاپ سنگی به طور هفتگی برای روشن کردن اعمال مشروطه‌خواهان برپا کردند. درباره نویسندگان و تعداد شماره‌های منتشرشده اطلاع دقیقی در دست نیست. احتمالاً بیش از هشت و نه شماره بیرون نیامده است. برای آگاهی بیشتر از چند و چون روزنامه بر ترجمه دو شماره از این روزنامه به مقاله «نگرش انتقادی بر کارکرد مشروطه‌خواهان تبریز در یازده ماه محاصره از خلال روزنامه *آملا* عمو ارگان انجمن اسلامی تبریز» به قلم نویسنده در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره مسلسل ۱۶۵ مراجعه شود.

بوقلمون

روزنامه نیم‌ورقی منتشر در تبریز با چاپ سربی به مدیریت میرزا محمودخان سلماسی (غنی‌زاده) در ۱۳۲۷ قمری، صدر هاشمی به نقل از فهرست *جراید آذربایجان تربیت*، زمان انتشار روزنامه را دو روزه و با چاپ سربی می‌نویسد که مسلک فکاهی و سیاسی داشته است که در قالب طنز و فکاهی به انتقاد از روش اداره مملکت و اوضاع و احوال اجتماعی سیاسی می‌پرداخت.

محاکمات

روزنامه *محاکمات* را غنی‌زاده به سال ۱۳۲۶ق / ۱۹۸۰م در شهر تبریز انتشار داد. محمدعلی تربیت در *فهرست جراید آذربایجان* سال تأسیس روزنامه را ۱۳۲۸ و صدر هاشمی نیز تاریخ انتشار روزنامه را سال ۱۳۲۶ق قید کرده‌اند. به هیچ شماره‌ای از این دو روزنامه دسترسی حاصل نشد.

تبریز

هویت روزنامه:

۱- نام: تبریز؛

۲- تاریخ انتشار اولین شماره: یکشنبه ۱۵ ذیحجه ۱۳۲۸ق؛



- ۳- تاریخ انتشار آخرین شماره:
- ۴- مدت انتشار: به تناوب محاسبه معوقه‌ها و توقیف و تعطیلیها، حدود ۶۶ سال (۱۳۲۸ق تا ۱۳۴۸ش):
- ۵- عناوین مختلف: ندارد؛
- ۶- معوقه‌ها: دوره اول هشت سال از ۱۳۲۹ق تا ۱۳۳۷ق؛ دوره دوم از ۱۳۱۰ش تا ۱۳۲۰ش؛ دوره سوم از ۱۳۲۴ش تا ۱۳۲۵ش؛
- ۷- زمان انتشار: هفته‌ای دو روز (روزهای یکشنبه و چهارشنبه)، سه روزه شنبه، دوشنبه، چهارشنبه، هفتگی، یومیه؛
- ۸- محل انتشار: اداره تبریز، مغازه آقای مجیدالممالک، (محل بلوار جنوب تلفن‌خانه مرکزی امروز- تبریز)؛ تلفون، نمره ۱۶۵.
- ۹- قطع: شماره‌های سال اول (۱۳۲۸ق) ۳۳×۵۰ سانتی‌متر؛
- ۱۰- تعداد صفحات: ۴، ۶، ۸ ص؛
- ۱۱- تیراژ: معلوم نمی‌کرد؛
- ۱۲- زبان: فارسی؛
- ۱۳- آرم: ندارد؛
- ۱۴- اشتراک: سالیانه: تبریز چهارده قران، داخله: بیست قران، خارجه: ۲۸ قران؛ شش ماهه: به ترتیب: ۸، ۱۲، ۱۶ قران، سه ماهه: ۵، ۶، ۸ قران.
- تک نمره: تبریز سه شاهی، داخله چهار و خارجه پنج شاهی.
- ۱۵- صاحب امتیاز: حسین تبریزی؛
- ۱۶- سردبیر: اسماعیل یکانی، سالهای بعد حسین امید؛ «ولی پس از چندین شماره مدیریت روزنامه را به جای یکانی، تبریزی خود عهده‌دار شد».
- ۱۷- نویسندگان اصلی:
- ۱۸- زمینه فعالیت (مسلک روزنامه): «روزنامه‌ای آزاد، ملی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و در طرفداری عامه سخن می‌راند»؛



۱۹- نوع کاغذ: زردکاهی؛

۲۰- نوع چاپ: سربی؛

۲۱- نام چاپخانه: مطبعه اسکندانی؛

۲۲- اختیارات روزنامه: ۱- مکاتیب و مقالات وارده مسترد نمی‌شود؛ ۲- اداره در حکم و اصلاح مقالات مختار است؛ ۳- پاکتهای بی‌تمبر، نوشتجات بی‌امضاء و مقالات مخالف با مسلک روزنامه- درج نخواهد شد.

سرمقاله آخرین شماره سال اول روزنامه (۱۲۷) چهارشنبه ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۹ که هنگامه دخالت روزافزون قوای روسیه در تبریز و آماده‌سازی حاج صمدخان شجاع‌الدوله مراغه‌ای برای برنامه‌های غایی در آذربایجان به بهانه قرارداد ۱۹۰۷م و ایجاد امنیت اتباع دول خارجی در تبریز به رشته تحریر درآورده به جهت آگاهی از خط مشی روزنامه و یاد قلم‌زنان فراموش شده حوادث حاد یکصد سال اخیر آن را با یاد نیک تمامی کوشندگان قلمی حق و حقیقت عیناً می‌آورد:

در پیشگاه عدل عالم: به عموم ملل حیه و جمعیات مودت اقوام و مجالس صلح عمومی و پارلمانها و فرق سیاسی و مجامع و کنفرانسها و مطبوعات.

ما بیست میلیون ایرانی، مظلوم یک احتراض. اسیر یک قید شقاوت، گرفتار یک پنجه خون‌آلود قساوت. از میان ابناء عصر بیستم یک خانواده بدبخت و فلاکت‌زده را تشکیل می‌دهیم که قدمت و اصالت عائله ما مسلم تمام اقوام بوده. نجابت و بسالت آن ضرب‌المثل ملل است. از بدو اختراع خط و وضع اساس تاریخ در عالم. خورده‌ای که به ما گرفتند و قصوری که نسبتش را به ما دادند این بود که گفتند و شهرت دادند، نوشتند و منتشر ساختند که ایرانی جاهل است و ضد علم، بی‌علم است و مخالف ترقی. قطعه حاصلخیز وسیعی از روی کره را غصب نموده و از استثمار و استتاج هیئت بشر عاطل و باطل گذاشته‌اند؛ در صورتی که ما ایرانیان مدتها است که از هیچ مجاهدت و جانبازی در فراهم آوردن اسباب ترقی و تعالی کوتاهی نکرده و مضایقت ننموده‌ایم. وردی به جز علم، فکری سوای تکامل نداریم، خواب و خیال ما علم است و علم، خولیاها و آرزوهای ما همه ارتقا است این افتراها و بهتانها که بر ما می‌بندند همان مثل گرگ با بره



است که در مقام بهانه‌جویی گفت: «تو بودی که پارسال فحشم دادی بره احتجاج نمود که من پارسال از مادر نزاده بودم جواب داد اگر تو نبودى پدر یا مادرت بوده است «عجبا! ... چه جانها است که در راه تجدد نداده‌ایم. چه جوانها است که فدای ترقی نکرده‌ایم. چه رحمتها است که برای تکامل متحمل نشده‌ایم: یاللهعجب! ... با آنکه ناله‌های یتیمان شهدای حریت آنا «نانا» در اشتداد است خانمانهایی که چون شمع در عشق تکامل سوخته هنوز به رنگ ذوغالی خود تغییر طبیعی نداده و روزبه‌روز بر عده خود می‌افزاید، این تقصیرها را بر ذمه ما مدلل می‌سازند؟ این جرمها را به روی ما می‌شمارند؟ به مانند آنکه حلیله یک نفر مسافر در غیاب او شوهر اختیار نمود، مسافر پس از معاودت شکایت پیش قاضی برد، قاضی گفت: به فوت شما اقامه بینه نموده‌اند. بیچاره مسافر پاسخ داد که حضرت قاضی شاهد از من معتبر می‌شود که می‌گویم من نمرده‌ام.

ای ملل حیه، ای جمعیات مودت اقوام، ای مبعوثین پارلمان‌ها، ای اعضای مجالس صلح عمومی، ای فرق سیاسی، ای مجامع، ای کنفرانسها، ای مطبوعات، آیا شاهد از شهدای ما، از خانه‌های ویران شده ما، از ابنای یتیم شهدا، از مادرها و پدرهای پسر مرده معتبر می‌شود که پدرها و پسرهایشان (اشهدان الحریه و الاستقلال ایشان من آیات الله) گفته خود را در آغوش سیاه مرگ افکنند. چیزی که هست این است و همه می‌دانند که ترقی تدریجی است و در هر جا و هر مملکت به تدریج حاصل شده به یک دفعه به منتهای تکامل جهیدن ممکن نیست. هیچ ملتی به یک بار ترقی نکرده و نخواهد کرد. هر جماعتی باید به اندازه سعی و تلاش خود را ارتقاء می‌تواند و ما ایرانیان بدبخت کمتر از هیچ ملت و هیچ جمعیت جد و جهد نکرده‌ایم و کمتر از دیگران سعی و تلاش نداریم. لیکن ما را نمی‌گذارند. نمی‌گذارند ... اشرار را از میان خود برانیم. نمی‌گذارند دست تجاوز دزدان را از گریبان مملکت کوتاه کنیم.

نمی‌گذارند فرصتی پیدا کرده عناصر عالم برای خود مهیا کنیم. نمی‌گذارند مالیه خود را تسویه نماییم. نمی‌گذارند برای امراض خودمان اطبای حاذق جلب کنیم. نمی‌گذارند فرجه به‌دست آمده اعضای ملیه خود را روح تجدد بدمیم. نمی‌گذارند قشون خود را از روی اصول صحیحه منظم داریم. نمی‌گذارند برای آتیه خود فکری بنماییم. نمی‌گذارند در تأمین استقبال خود



نقشه ثابت بکشیم. نمی‌گذارند موانع را از پیش برداریم. نمی‌گذارند ادارات خود را مرتب داریم. نمی‌گذارند امورات خود را اصلاح نماییم. نمی‌گذارند قوانین موضوعه خود را اجرا کنیم. نمی‌گذارند، نمی‌گذارند و بالاخره پنجه خون‌آلود خودشان را در دم پرتگاه عمیق و مدهش انقلاب به حلق ضعیف و خسته ما گذاشته می‌خواهند علی‌الروس الاشهاد خفه‌مان کرده و در آن دره هولناک انداخته و خاک‌پوشمان نمایند.

اینک بیست میلیون ایرانی مظلوم از اطفال معصوم تا پیران کهن سال در زیر آن پنجه خون‌آلود با دیده‌های مظلومانه به سوی عدل عالم که از احساسات شماها تشکیل یافته و اگر خود یک هیكل بودی به جز از حسیات متطایره از نقطه پر خون و حرارت قلوب شما مجسم نمی‌شد. به طوری مسترحمانه و استمدادجویانه نگران است و دارند که حرکات مذبحخانه خود را به واسطه تغذیه عناصر جوان خود که در میان هر ملتی به مثابه روح است با یک پاس حزن‌انگیز و حسرت‌متمادی خاتمه داده حیات سیاسی خود را بدرود گویند ...

شفق

هویت روزنامه:

- ۱- تاریخ انتشار اولین شماره: ۲۷ رمضان ۱۳۲۸ ق؛
- ۲- تاریخ انتشار آخرین شماره: دوشنبه ۲۶ ذیحجه الحرام ۱۳۲۹ ق؛
- ۳- فاصله زمان انتشار: هفته‌ای دو بار طبع و توزیع می‌شد مرحوم امید به‌طور هفتگی عنوان کرده است. مکتوبات بی‌تمبر قبول نخواهد شد. اداره در درج مقالات مختار است؛
- ۴- عنوان مراسلات و تلگرافات: تبریز، اداره روزنامه شفق؛
- ۵- محل اداره: کوچه تلگرافخانه^{۳۹}، دربند حاجی محمدجعفر، نمره ۵۷۵؛
- ۶- محل چاپ: مطبعه امید؛
- ۷- قطع روزنامه: وزیری بزرگ، سالیانه: شش ماهه؛
- ۸- وجه اشتراک: تبریز: ۱۴ قران. ۸ قران.
- ولایات داخله: ۲۰ قران. ۱۲ قرآن.



- ممالک خارجه: ۲۸ قران. ۱۶ قران.
- تک نمره در تبریز: دو شاهی، ولایات داخله: چهار شاهی، وجه اشتراک پیشکی دریافت می‌شود.
- ۹- تعداد صفحات: چهار صفحه.
- ۱۰- زبان: فارسی؛
- ۱۱- آرم: نام روزنامه با خط نستعلیق درشت؛
- ۱۲- سردبیر و صاحب امتیاز: ح (حاج). (آقا). رضازاده (دکتر صادق رضازاده شفق سالهای بعد).
- ۱۳- مدیر مسئول: محمود غنی‌زاده سلماسی: «کمتر کسی هست که م. غنی‌زاده را با آن مسلک تحریر و اسلوب بیان نشناخته باشد».
- ۱۴- نویسندگان اصلی: حاج آقا رضازاده، محمود غنی‌زاده، میرزا احمدخان سهیلی؛
- ۱۵- زمینه فعالیت: سیاسی؛
- ۱۶- تمایلات سیاسی: طرفدار استقلال ایران و حافظ حقوق ایرانیان؛
- ۱۷- آگهی: دارد. قیمت اعلانات سطری ده شاهی؛ در صفحه آخری پنج شاهی است، وجه اشتراک پیشکی دریافت می‌شود؛
- ۱۸- نوع چاپ: سربی؛
- نمره اول، سال دوم (پنجشنبه ۱۶ رجب المرجب ۱۳۲۹) آن را در مجموعه روزنامه‌های خود دارم. سر مقاله آن را تحت عنوان «رجعت استبداد» بدون دستکاری در شیوه نگارش و املائی آن به جهت آشنایی با مسلک روزنامه و مسائل حاد روز و چگونگی بینش و نگرش صاحبان روزنامه را از پس قریب یک قرن باز می‌آورم:

رجعت استبداد

وطن مقدس ما ایران که یک تاریخ مشعشع و احتشام قدیمی را دارا بوده، و حال نیز در این عصر تمدن پا به سائقه طبیعت، قدم به عالم تجدد نهاده و می‌خواهد اصول منحوس سلطنت مطلقه را که از قرون قدیمه گریبان‌گیر امور سیاسی آنست از خود به دور اندازد، و شروع به صعود به مدارج ترقی نماید، نفوذ قوای استبداد را ریشه برکنده و زوایای مملکت و منابع سیاست را از



حسیات عموم افراد ایرانی پر کند، جریان امور حکومتی را در مجرای شورا و ملی بیندازد، در همچنین وقت و هنگام باریک، هزاران مشکلات رنگارنگ رو به انتظام امور آورده و خط حرکت آمال ملیه را دچار انحراف می‌سازد، و به‌طوری که مقتضای احوال یک مملکت اشراف‌پرور است، افکار عامه به تدریج رو به زوال می‌نهد.

بلی، پس از آنکه ملت بلادیده ایران ستمها دیده و ظلمها کشیده و بالاخره به حسیت آمده و پیکر استبداد بر زمین زدند و بدین مناسبت گرد و غبار انقلاب، آشوب به مملکت انداخت، نقاط بنای شورش بنهاد، بلاد از رسته نظام به درآمده، حکومت از نفوذ افتادند. راهها از نعمت امن و آسایش محروم گشتند. تجارت و اکسساب به کلی متروک گردید. اهالی شب و روز زیر مخاطراتی که همواره هجوم‌آور اجتماع آنها بود به سر بردند و با پنجه غدار ظلم پنجه زدند و ده هزاران جوانان نارس جانفشان را فدای حصول آمال خویش ساختند تا بعد از این‌همه مصائب مرکز فساد را از تخت به‌زیر آورده و اداره کیف مایشایی را برچیده، مجلس ملی که محیط آمال و افکار مظلومان بود برپا نمودند. امروز دوباره دارند رو به‌سوی حالت اولیه سوق می‌شوند، و در سایه تحریکات روسای امور به تدریج آثار ازدیاد نفوذ حکومت ملی را می‌بازند. خاکم به دهن یک روز سینه را که افکش از عکس خون هزارها فداکاران حریت رنگین است بر یک ظلمت شدید مبدل می‌سازند. اینک چون ما را با خامه پیمان درست‌گویی در کار و خامه را با نامه میثاق حق‌نویسی در میان است ناچار خبری را که از تحولات سیاسی پایتخت طرف تنقید یافتیم محض ادای آنچه وظیفه یک محرر عمومی است، از کشف مضمرات ضمیر خویش تصور نمی‌نماییم و به او از بلند به حضور هموطنان حقیقت‌مند خود عرضه می‌داریم که حکومت مشروطه ما در دور اکثریت فرقه اعتدال به موقع خطرناکی رسیده و درکات وحشت‌آوری را طی می‌نماید. نهال جوان و تازه نمو حکومت عامه را که مختصری سرفراز کرده و بعد از تصادف مخاطرات عظیمه به تدریج گرد پریشانی انقلاب را از خود به دور نموده و اخذ طراوتی کرده و مژده میوه‌های شیرین خود را می‌دهد می‌خواهند با انواع دسایس و حیل از پای درآورند. واره اختیار تام به ریشه آن بگذارند، بعد از آنکه اختیارات تامه اقدامات ممکنه خود را به مقام اجرا برآورد. اشخاص را بی‌محاکمه تبعید نمود. روزنامجات را بی‌تحقیق توقیف فرمود. تفنگهای اسقاط روس را بی‌اجازه خرید کرد.



استقراض خارجی را بی‌ملاحظه صرف جاهای غیرلازمه بنمود. صحبت امتیاز راه‌آهن را بی‌مهابا به میان آورد حال به عزم آنست که دور خود را تکمیل نماید و جزئی رمقی را نیز که در قوه پارلمانی موجود است محو کند؛ یعنی صداهایی را که به‌نام حمایت سلطنت ملیه از زوایای مجلس بلند می‌شود خاموش، و خیالاتی را که خواهندگان مشروطه در سر دارند از خاطرها فراموش سازد. بدین جهت است که در این اواخر آخرین پرده نمایشهای کابینه سپهداری بالا می‌رود و نقشه‌های عجیب و غریب به‌جلوه می‌آرد او آخرین خط تشبث اختیارداران را که عبارت از «انفصال مجلس» باشد نمودار می‌سازد، آری چون آقای سپهدار اعظم استقامت ملت را ملاحظه نمودند چون دیدند که با اخذ اختیار و با زور شمشیر مردم خموش نگرفتند و سکوت پذیرفتند بلکه وکلای راست‌گفتار و نویسندگان تقیدکار فکریات خود را بالاتراف متوجه به‌سوی فعالیت کابینه بنمودند و نیک را از بد تمیز دادند و معایب را بشمردند و در پیش اداره سنیه سدی از تقید نهادند به مناسبت اینکه هیچ‌گاه حاضر به توضیح دادن و مسئول بودن نبودند برای اینکه طبعاً از مسئولات شورا تنفر داشتند، به‌علت اینکه مشروطه ایران را بذله زور شمشیر خویش می‌پنداشتند، به این مناسبات تاب تقیدات جسورانه فرقه اقلیت را نیاورده و از پایتخت اعراض فرمودند و تا به رشت هم رفتند.

ولی به‌موجب اطلاعاتی که دوباره می‌گیریم باز مراجعت فرموده ورود به طهران نموده و بر سر کار رفته‌اند و گویا در این اشتغال اخیر برای سد استیضاحات مجلس شورا و جلوگیری تلمیحات نویسندگان چاره‌ای که اندیشیده و به امید آن بازگشته‌اند تعطیل مجلس است. اگرچه ممکن است بعضی از افراد اعتدالیون این نقشه آخرین اختیارات تامه را نیز قبول نموده و فریب به ظاهریات خورده و انفصال را موجب اصلاح امور شمارند؛ اگرچه می‌شود عده از اهالی وطن عزیز تعطیل مجلس را فدای چندین کلمه سامعه‌نواز تهی نو مانند «دفع اشرار» (برقراری امنیت)، (قوت و اقتدار دولت) بنمایند، ولی چون اکثریت اهالی ایران مضرات و وخامت این یک ...



زانک

وارطانیان با تعهد زیر درخواست صدور اجازه‌نامه انتشار روزنامه را کرده از صدور یا عدم صدور مجوز و طبع و نشر آن اطلاع دقیقی در دست نیست.

اسم مدیر: الکساندر دیر وارطانیان؛

محل اداره: معلوم نیست؛

محل مطبعه: مطبعه فاروس؛

عنوان و ترتیب: زانک و هفتگی؛

تیراژ: ۳۵۰ الی ۴۵۰؛

مسلك: سوسیالی و طرفدار وطن و معارف؛

تاریخ: ۱۴ شهر صفرالمظفر، ۱۵ برج، عقرب ۱۳۲۸.

شورای معارف

در سال ۱۳۲۹ ق سیدحسین خان عدالت صاحب امتیاز چندین روزنامه از وزارت معارف درخواست صدور اجازه طبع و نشر روزنامه‌ای را به نام فوق به شرح زیر می‌نماید، چنان‌که از کتب و منابع جرید کشور و ایالتی برمی‌آید اجازه مزبور داده نشده است. مقام منبع وزارت معارف دام توفیقاتهم. استدعا از مقام محترم آنکه امتیاز جریده به اسم *شورای معارف* به این بنده مرحمت شود، به موجب همین عریضه ملتزم می‌شود که بر طبق قانون مطبوعات رفتار نماید. اگر وزارت معارف مایل باشند که مطالب راجع به معارف را در این جریده طبع و توزیع نمایم در کمال امتنان پذیرفته خواهد شد چون مسلك این جریده علمی و ادبی و اخلاقی است امیدواریم با مساعدت وزارت معارف مصدر خدمت شایانی بشود.

پی‌نوشت‌ها

۱. رضازاده ملک، رحیم، چکیده انقلاب، حیدر عمواغلی، ص ۱۳.
۲. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، ص ۱۲۸.
۳. آراین پور، یحیی، از صبا تا نیما، ص ۲۴۶.



۴. کسروی، همان، ص ۲۶۸.
۵. برادران شکوهی، سیروس، آملعمو (مقاله)، گنجینه اسناد (فصلنامه تحقیقات تاریخی).
۶. بیات، کاوه، مسعود کوهستانی نژاد، اسناد مطبوعات (۱۳۲۰-۱۲۸۹ق)، ج ۱، چ ۱، ص ۱۷۶.
۷. توضیح روزنامه در ص ۹۵، ج ۲، اسناد مطبوعات (۱۳۲۰-۱۲۸۶ش) ملاحظه شود.
۸. امید، حسین، تاریخ فرهنگ آذربایجان، ج ۲، تبریز، اسفندماه ۱۳۳۴، ص ۴۳.
۹. امید (روزنامه)، نمره ۲۰، ص ۱.
۱۰. ای «انجمن» ای افسر فرق وطن دیرپا* تا با دولت مشروطه ملت کسب امن کند، نک: برادران شکوهی، سیروس، «مجلس ملی تبریز...»، ص ۲۱.
۱۱. برادران شکوهی، سیروس، قرارداد ۱۹۰۷ از خلال روزنامه انجمن
۱۲. برادران شکوهی، نشانه‌هایی از بیداری روستایی در آذربایجان ...، پائیز و زمستان ۷۴.
۱۳. برادران شکوهی، نشانه‌هایی از بیداری و نقش زن در نهضت مشروطه ...، ص ۱۳.
۱۴. برادران شکوهی، تحقیق تازه درباره ترور میرزا علی اصغرخان اتابک اعظم، ص ۱۳.
۱۵. رضوانی، محمد اسماعیل، مجله بررسی‌های تاریخی، ش ۱، س ۳، اردیبهشت ماه ۱۳۴۷، ص ۱۴۶.
۱۶. همان.
۱۷. برادران شکوهی، در تکمیل بحث تیراژ روزنامه «انجمن»، جهان کتاب، ش ۱۶، ص ۱۳.
۱۸. کتابخانه جمهوری اسلامی ایران با همکاری استانداری آذربایجان شرقی، «روزنامه انجمن»، به کوشش جمشید کیانفر و دیگران، ۱۳۷۴ش.
۱۹. برادران شکوهی، روزنامه‌ها و سروده‌های محمود غنی‌زاده از اوج انقلاب ...، پاییز و زمستان ۷۷، ص ۵۹۱.
۲۰. برادران شکوهی، بیژن اوردوبادی، قلم زنان انقلاب مشروطه (خازن- میرزا جعفر خامنه‌ای) شمس (روزنامه)، ص ۹ (بخش اول).
۲۱. برادران شکوهی، یادى از آنکه پایدار بود و پایدار رفت، ارک (مجله)، ش ۲، ۱۳۵۹، ص ۵۸.
۲۲. برادران شکوهی، ساریانا احساس وحشت می‌کنم، آدینه (شماره مخصوص روزهای جمعه)، ضمیمه (مهدی آزادی).
۲۳. انجمن (روزنامه).
۲۴. بیدار شدند اطفال شیرخواره
خونین شدند آرزو و خواسته‌ها
قانون‌ها تماما درهم ریخت
ای خدایی که به مخلوق رحم می‌کنی
خسته شدند سیم‌های تلگراف
ای خدای مهربان مظلومان
پامال کن هواداران استبداد
- بلندا گشتند بیرق‌های سرخ‌رنگ
دمیده شد صور اسرافیل دمیده شد
قربانیان وطن صف در صف کشیدند
ای خدایی که خفتگان را بیدار می‌کنی
در هیجان است خون ملت
مرحمت بخش شاه جوانیخت مان باش
مغلوب بکن عساکر ظالم را
- رحیم باش ملت بیچاره را
۲۵. امید (روزنامه)، نمره ۲۱، س ۱، ۳۰ شهر ربیع‌الاول سنه ۱۳۲۵ق، ص ۱.
۲۶. همان.
۲۷. همان.



۲۸. برادران شکوهی، همان، کرانه‌های ناپیدا (غلامحسین ساعدی)، عصر آزادی، (روزنامه هفتگی)، ص ۴.
۲۹. همان.
۳۰. دولت‌آبادی، عزیز، تاریخ تحول نشر فارسی، ص ۲۱-۲۰.
۳۱. آزاد (روزنامه)، ش ۲، س ۱، ۲۲ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۴ ق، ص ۳.
۳۲. همان.
۳۳. آزاد (روزنامه)، ش ۱، ۱۵ ذی‌الحجه الحرام، ۱۳۲۴، س ۳.
۳۴. براون، ادوارد، تاریخ مطبوعات و ...، ترجمه محمد عباسی، ۱ مرداد ماه ۱۳۳۷، ص ۳۴۵.
۳۵. امید، همان، تاریخ فرهنگ آذربایجان، ج ۲، ص ۴۰.
۳۶. براون، همان.
۳۷. صدرهاشمی، محمد، تاریخ جراید و مطبوعات ایران، ج ۲، ص ۲۱۴.
۳۸. حرف حق (روزنامه)، ش ۲، س ۱، پنجشنبه ۵ ذیحجه الحرام ۱۳۲۵/ ق ۹ ژانویه ۱۹۰۸ م.
۳۹. سه راه امین امروزی، امتداد پاساژ امت و برلین تا دبیرستان شهید ... آمحمدعلی قاضی.

منابع

- آدمیت، فریدون (دکتر)، امیرکبیر و ایران، چاپ ۳، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۰.
- آریز پور، یحیی، از صبا تا نیما، جلد اول و دوم، چاپ دوم، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۱.
- امید، حسین، تاریخ فرهنگ آذربایجان، چاپ اول، تبریز، اداره فرهنگ، اسفند ماه ۱۳۳۲.
- همان، جلد دوم، تبریز، اداره فرهنگ، ۱۳۳۴.
- آزاد (روزنامه)، شماره اول، سال اول، ۱۵ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۴ ق.
- همان، شماره دوم، سال اول، ۲۲ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۴ ق.
- امید (روزنامه)، نمره ۲۰، سال اول، تبریز، ۲۷ شهر صفر سنه ۱۳۲۵ ق.
- همان، نمره ۲۱، سال اول، تبریز، ۳۰ شهر ربیع الاول ۱۳۲۵ ق.
- براون، ادوارد (پروفسور)، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، جلد دوم، تهران، کانون معرفت، ۱۳۳۷.
- همان، جلد سوم، ترجمه رضا صالحزاده، تهران، کانون معرفت، ۱۳۴۱.
- بیات، کاوه و مسعود کوهستانی نژاد، اسناد مطبوعات (۱۲۸۶-۱۳۲۰ش) جلد اول، چاپ اول، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۲۷.
- برادران شکوهی، سیروس (دکتر)، «آملا عمو، ارگان انجمن اسلامی»، گنجینه اسناد، فصلنامه تحقیقات تاریخی، سال ۸ (دفتر اول و دوم)، شماره پیاپی ۲۹، ۳۰، تهران، بهار و تابستان ۱۳۷۷.
- همان، «مجلس ملی تبریز»، «روزنامه ملی»، «جریده ملی»، «انجمن یا انجمن تبریز» نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، شماره اول، سال اول، ش م ۱، پائیز ۱۳۷۴.
- همان، «قرارداد ۱۹۰۷ از خلال روزنامه انجمن- ارگان انجمن ایالتی آذربایجان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱ و ۲، سال ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۷۱.
- همان، «نشانه‌هایی از بیداری روستایی در آذربایجان در سالهای نخستین نهضت مشروطیت»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۳-۴، ش م ۱۵۶-۷، سال ۳۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۴.



- همان، «نشانه‌هایی از بیداری و نقش زن در نهضت مشروطیت از خلال روزنامهٔ انجمن»، نشریهٔ دانشکدهٔ تبریز، ش م ۹-۱۴۸، سال ۳۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۳.
- همان، «تحقیق تازه دربارهٔ ترور میرزا علی اصغرخان اتابک اعظم»، نشریهٔ دانشکدهٔ دانشگاه تبریز، شماره ۲-۳، ش م ۲-۱۵۱، سال ۳۷، تبریز، تابستان و پاییز ۱۳۷۳.
- همان، «در تکمیل بحث تیراژ روزنامهٔ «انجمن»، جهان کتاب، شماره ۱۶، سال اول، نیمهٔ اول تیرماه، ۱۳۷۵.
- همان، «روزنامه‌ها و سروده‌های محمود غنی‌زاده از اوج انقلاب تا حضيض استیلای پهلوی»، مجلهٔ دانشکده ... دانشگاه فردوسی مشهد (علمی- پژوهشی)، شماره ۳ و ۴، سال ۳۱، ش م ۲۳-۱۲۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۷.
- همان، «یادی از آنکه پایدار بود و پای دار رفت»، نشریهٔ ارک، تبریز، شماره ۲، ۱۳۵۹.
- همان، «ساریانا احساس وحشت می‌کنم»، آدینه (ضمیمهٔ روزهای شنبه) روزنامهٔ مهد آزادی، شمارهٔ آدینه (۱۰)، شمارهٔ مهد آزادی ۱۳۷۷، ش م ۲۱۰۶، شنبه ۱۰ آبان ماه ۱۳۷۶.
- همان، «کرانه‌های ناپیدا»، غلامحسین ساعدی، عصر آزادی (روزنامهٔ هفتگی، شماره ۵۸، سال ۳، تبریز پنجشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۷۸).
- همان، «سیرخاب قایسی (درب سرخاب) «انجمن اسلامی» نشریهٔ تبریز (ماهنامهٔ آموزشی- خبری) شهرداری تبریز، شمارهٔ ۴ و ۵، سال اول، آبان و آذر ۱۳۷۱.
- همان، «انجمن اسلامی» فصلنامهٔ تحقیقات تاریخی (گنجینهٔ اسناد)، دفتر دوم و سوم، تهران، ۱۳۷۲.
- بردباری، بیژن، «زمینه‌های فکری میرزا جعفر خامنه‌ای»، قسمتی از رساله: «خازن میرزا جعفر خامنه‌ای» شمس (هفته نامهٔ فرهنگی، اجتماعی) تبریز، شماره ۱۲۰، چهارشنبه ۹ آبان ۱۳۸۰.
- دولت‌آبادی، عزیز، تاریخ تحول نثر فارسی معاصر، تبریز، چاپ فرهنگ، ۱۳۳۳.
- رحیم‌لو، یوسف (دکتر)، سنگ‌نشته‌های آذربایجان از موارد بررسی‌نشده- بخش اول طرح- (نسخهٔ زیراکس)، تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۷۲/۱۱/۳۰.
- رضازاده ملک، رحیم، چکیدهٔ انقلاب- حیدرعمو اوغلی- تهران، اسفندماه ۱۳۵۱.
- رضوانی، محمد اسماعیل (دکتر)، «مجلهٔ بررسی‌های تاریخی»، شمارهٔ اول، سال ۳، اردیبهشت ماه ۱۳۴۷.
- صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران (مجلدات ۲ و ۴)، اصفهان، انتشارات کمال، چاپ اول، (۱۳۳۲)، چاپ دوم (۱۳۶۴).
- فتحی، نصرت‌الله (آتشبک)، سخنگویان سه‌گانهٔ آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران، چاپ اول (تهران)، دفتر دوم (۲۵۳۶).
- کتابخانهٔ جمهوری اسلامی ایران با همکاری استانداری آذربایجان شرقی، روزنامهٔ انجمن تبریز، جلد اول، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
- همان، روزنامهٔ انجمن تبریز، جلد دوم، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
- کسروی، احمد (سید)، تاریخ مشروطهٔ ایران، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۰.
- گلبن، محمد، «لغت روزنامهٔ نخستین روزنامهٔ چاپی فارسی در ایران»، ضمیمهٔ مجلهٔ بررسی‌های تاریخی، تهران، مجلهٔ بررسی‌های تاریخی ارتش، شماره ۵، سال ۵، ۱۳۴۹.



منابع روزنامه‌ای

- ۱- روزنامه ملی، نمره ۳، سال اول، هفتم رمضان المبارک ۱۳۲۴ ق.
- ۲- جریده ملی، نمره ۱، سال اول، غره رمضان ۱۳۲۴ ق.
- ۳- انجمن، شماره ۳۸، سال اول، هیجدهم شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۴ ق.
- ۴- انجمن، شماره ۱۴۹، سال اول، روز پنجشنبه ۲ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۵ ق.
- ۵- انجمن تبریز، شماره ۲۲، سال دوم، روز دوشنبه، ذی القعدة ۱۳۲۵ ق.
- ۶- انجمن، شماره اول، سال دوم، روز شنبه ۴ شهر رمضان المبارک.
- ۷- امید، نمره اول، سال اول، پانزدهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۲۴ ق.
- ۸- امید، نمره ۸، سال اول، پنجم ذی القعدة سنه ۱۳۲۴ ق.
- ۹- امید، نمره ۱۳، سال اول، دهم ذی الحججه ۱۳۲۴ ق.
- ۱۰- امید، نمره ۱۹، سال اول، شانزدهم صفر سنه ۱۳۲۵ ق.
- ۱۱- امید، نمره ۲۰، سال اول، ۲۷ شهر صفر سنه ۱۳۲۵ ق.
- ۱۲- امید، نمره ۲۱، سال اول، ۳۰ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۲۵ ق.
- ۱۳- آزاد، شماره اول، سال اول، ۱۵، ۱۳۲۴ ق.
- ۱۴- آزاد، شماره ۲، سال اول، ۲۳ ذی الحججه الحرام ۱۳۲۴ ق.
- ۱۵- آزاد، شماره ۳، سال اول، غره محرم الحرام ۱۳۲۵ ق.
- ۱۶- آزاد، شماره ۴، سال اول، ۲۵ محرم الحرام ۱۳۲۵ ق.
- ۱۷- حرف حق، شماره دوم، سال اول، پنجشنبه ۵ ذیحجه الحرام ۱۳۲۵ ق.
- ۱۸- مجاهد، شماره اول، سال اول، ۹ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۵ ق.
- ۱۹- مجاهد، شماره ۳، سال اول، ۲۲ شعبان المعظم ۱۳۲۵ ق.
- ۲۰- مجاهد، شماره ۶، سال اول، ۵ رمضان المبارک ۱۳۲۵ ق.
- ۲۱- مجاهد، شماره ۱۰، سال اول، ۱۸ رمضان المبارک ۱۳۲۵ ق.
- ۲۲- مجاهد، شماره ۲۷، سال اول، غره ذیحجه الحرام ۱۳۲۵ ق.
- ۲۳- اتحاد، شماره ۵، سال اول، پنجشنبه ۱۳ ربیع الآخر ۱۳۲۶ ق.
- ۲۴- تبریز، شماره ۱۲۷، سال اول، چهارشنبه ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۹ ق.
- ۲۵- شفق، نمره اول، سال دوم، پنجشنبه ۱۶ رجب المرجب ۱۳۲۹ ق.

صفحه اول	سال دوم	شماره (۱)
<p>اولاً سال اول و دوم مستبدان را افغان ولایات شاه ایران از قران ولایات ری و سمنان را ولایات عثمانی را ولایات اروپا را قندهار و قزلباش ولایات داخله را قندهار و اعلان سطر در صورت تکرار</p>	 <p>تاسیس ۱۲۲۵</p>	<p>اداره در زادگاه سروای مینو زامندی (عنوان) مرآت و نوشتار امضای مدیر نوشته می شود عنوان ملکات (حاصل و فایده) سرای مینو زامندی روز شنبه ۳ شهریور</p>
<p>این روزنامه از آن جهت که منسوب به مکتب من از وقایع و اشخاص همیشه داد و ستد داشته است و بعضی از ولایات جزء ادراکات و ممالک ایران و مطالبی که در آنجا می باشد باقی ماند و می نویسد و مذاکرات این مکتب ملی را بطور خلاصه به مشترکین محترم می رساند و مکتبات و ملکات لازم را محصول اطلاع عموم درج می نماید و آنچه و مقالات مفید بشرط امضاء قبول می شود و بعد از طبع صاحب آن حق استرداد ندارد و بعد از اشتراک بعد از سال در وقت دریافت می شود</p>		

سکه

شماره (۲۲)

اداره دربار السلطنه تبریز

سرای پیام‌ها

عنوان

مراسلات و نوشتن‌ها با سکه

استعمل معروض می‌شود

هوان نکلان

میرزا انجمن

عمل توزیع

سرای پیام‌ها در دفتر اداره

دو ورقه

ذوقده

(صفحه ۱)

ایوب‌سالنامه

تبریز (۱۰۰۰۱)

ولایت قزوین (ده هزار)

ولایت روسیه (۴۰۰۰۰)

ولایت عثمانی (۱۰۰۰۰)

ولایت اروپا (۱۰۰۰۰)

تبریز و عثمانی

ولایت قزوین

مفتی‌اعلام تبریز

در صورت تکرار جمع‌آوری می‌شود

مشتبه‌ها در اطلاع و توزیع می‌شود

این روزنامه آزاد منسوب با هم‌میتس از وقایع و اتفاقات بومیه شهر دارالسلطنه تبریز و مخصوصاً در ولایت
برو از رایجان و عمالک ایران و مطالبی که جامع منافع عامه باشد باز آنجا داده می‌شود و مذاکره
اینجمن ملی را بطور خلاصه منتشر کردن محترم می‌نمایند مکاتبات و ملاقات‌ها لازمه را معض اطلاع عموم
درج می‌نمایند لوائح و مقالات معنیک بشرط امضا قبول می‌شود. و بعد از طبع ضاعت آن حق است بر او ندارد
و با اشتراک بعد از سال ده صرف دریافت می‌شود

چاپ و توزیع - یا علی مختصر

ای اولاد ایران | ای حامیان تبریز و تبریز اسلام |

تبریز - ۱۳۳۰



صفحه	سال	شماره
۱۰۰	۱۳۰۱	۱۰۰
<p>ابونه سالانه صد شصت مستور ۱۰ قران ولایات اخلاص ایران ۱۰۰ قران ولایات روسیه ۳۰۰ متانیم ولایات عثمانیه ۱۰۰ قران ولایات اروپا ۱۰۰ قران قیمت بک نشیمن (نوی) دو شاهی ولایات داخله سه شاهی قیمت اعلانات مطبوعه و غیره در صورت تکرار تخفیف دارد میشود</p>	<p>سال الف</p>  <p>تاریخ</p>	<p>لایحه دربار السلطنه تبریز سرای میرزا مهدی عنوان براسالت و نوشتجات باسم مشاهد اعمال مدیر نوشته میشود اعوان ناکرات اجر بده شخص بجمل بود مع سرای میرزا مهدی در خود اداره در پنجشنبه ۲ شهر رمضان المبارک ۱۳۰۵</p>
<p>از روزنامه آزاد ملی منسوب بانجمن مقدس ازوقایع و اتفاقات بومیته شهر در السلطنه تبریز معضی از ولایات جزو اذربایجان و ممالک ایران و مطالبی که در اجمع بمناقض عامه باشند بازایان نویسد و مذاکرات انجمن ملی را بطور خلاصه منتشر کن محترم میرساند مکتوبات ناکرات ازده را محض اطلاع عموم درج میباشد لواطج و مقالات مفیده بشرط امضاء قبول میشود بعد از طبع صاحب ان حق استرداد ندارد وجه اشتراک بعد از ارسال در شهر تبریز یافت میشود</p>		



شماره (۶۸) - شماره (۱۳۹۲) - (مصحف)

اداره مرکزی (اداره مرکزی)

دوره انتشار تبریز خیابان مجیدیه

(عنوان)

مراسلات و نوشته‌ها باسم میرزا علی

اکبرخان مدیر نوشته میشود

(محل توزیع)

دکان آقا میرمحمد سنگار فروش (هفته دو بار و بیست و شش)

(وقت یکشنبه)

پهلویم شهرت مجتهد المکرم ۱۳۲۲ (سند با طبع و توزیع فیشی) (تبریز دوستانه) (داخله زیاد نوشته)

جریده ایست آزاد منسوب باجین مقدس علی تبریز مذاکرات اعضاء اینجمن مبارک و مقالات مفید

و سوسند را درج مینماید مقالات و مکتوبات بشرط امضا و معرفت دول و بنا بخواهش امانت مطالب

و مندوبات با الفاظ سهل و ساده نوشته خواهد شد که موجب انتفاع عموم گردد

مجله

سال اول

هر هفته دو بار طبع و توزیع می شود

مهمتره و مهمان مراسلات و نوشته‌ها باسم میرزا علی

طی کورخان مدیر نوشته میشود، محل توزیع

درواسته بازار دم سیرای میرزا محمد

دکان آقا میر محمد سنگار فروش

بنا بخواهش امانت و کسبه و اصناف کلمات این جریده بحلی سهل و ساده نوشته می و

قیمت هر شماره

در تبریز یک تومان

در سایر ولایات این صد دینار

ابونزه سالیانه در تبریز پنجاه تومان

در سایر ولایات این یک تومان

شماره ملی و جدید

شماره ملی و جدید

قیمت هر شماره

در تبریز یک تومان

در سایر ولایات این صد دینار

شماره ملی و جدید

شماره ۲	سال اول -	شماره ۱
مجله جغرافیای ایران مجله جغرافیای تاریخی ایران (مجله جغرافیای تاریخی ایران)	مجله جغرافیای تاریخی ایران مجله جغرافیای تاریخی ایران مجله جغرافیای تاریخی ایران	مجله جغرافیای تاریخی ایران مجله جغرافیای تاریخی ایران مجله جغرافیای تاریخی ایران
تعداد صفحات: ۳۲ تعداد صفحات: ۳۲ تعداد صفحات: ۳۲	تعداد صفحات: ۳۲ تعداد صفحات: ۳۲ تعداد صفحات: ۳۲	تعداد صفحات: ۳۲ تعداد صفحات: ۳۲ تعداد صفحات: ۳۲
تعداد صفحات: ۳۲ تعداد صفحات: ۳۲ تعداد صفحات: ۳۲	تعداد صفحات: ۳۲ تعداد صفحات: ۳۲ تعداد صفحات: ۳۲	تعداد صفحات: ۳۲ تعداد صفحات: ۳۲ تعداد صفحات: ۳۲

تاریخ و جغرافیای ایران و جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی

تاریخ و جغرافیای ایران و جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی

تاریخ و جغرافیای ایران و جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی



شماره (۶۰۱) سال اول

محل توزیع کتابخانه تبریز

مقران در مسکات

کتابخانه تبریز

تبریز (ایران)

۱۳۲۵

قیمت اشتراک

روزنامه تبریز ۳۰ مشای

ماهنامه تبریز ۱۰۰ قران

سالنامه تبریز ۱۰۰ قران

در ماهکتابخانه ۱۰۰ قران

ازاد

۱ ۳ ۲ ۴

چهارمین شماره هفتگی با تاریخ و تاریخ انتشار

در این مجله از هرگونه مقالات سیاسی و اقتصادی و علمی و مستحق و تاریخی و ادبی بحث می‌شود و هر قسم مقالات مورد ستود و نام القوم مقبول و نامشایر داده و آورده است . اجرت اعلانات مطبوعاتی که قران در صورت نگراره و مشایر گزینت می‌شود .

شماره (۳۰۰) سال اول

محل توزیع کتابخانه تبریز

مقران در مسکات

کتابخانه تبریز

تبریز (ایران)

۱۳۲۵

قیمت اشتراک

روزنامه تبریز ۳۰ مشای

ماهنامه تبریز ۱۰۰ قران

سالنامه تبریز ۱۰۰ قران

در ماهکتابخانه ۱۰۰ قران

ازاد

۱ ۳ ۲ ۴

چهارمین شماره هفتگی با تاریخ و تاریخ انتشار

در این مجله از هرگونه مقالات سیاسی و اقتصادی و علمی و مستحق و تاریخی و ادبی بحث می‌شود و هر قسم مقالات مورد ستود و نام القوم مقبول و نامشایر داده و آورده است . اجرت اعلانات مطبوعاتی که قران در صورت نگراره و مشایر گزینت می‌شود .



(۸) غل

قیمت اشتراک
قیمت یکموزه در شاهی است
سالانه
بیزر هفت قران
و اعطای ایران دو قران
فارجیه دو از دوزان
بناگره ان مدارس تخفیف داده نخواهد شد
احترامت است بگویم بجهت اداره است

غل تو زین کتابخانه تزیین است
بهنیکی با جبهه طبع و شنبه توزیع
میشود
و جدا بونمان بهنگی گرفته میشود
قیمت اعلانات طریقی شاهی
بعد از قبول و نزهه اسمی شکرگین
ثبت و قلم خواهد شد

بیتخم ذی القعدة ۱۳۲۲
۳۱ و سایر ۱۹۰۶

بریده ایست که در اثر برتری دولت و انتشار علوم و معارف از هرگز و قانع و انجبار و سیاست پادشاهی است و علوم و فنون و ادبیات و اختراعات و اکتشافات سخن بیز
مراسلات و کتب است مفیده از هر قبیل بشرط امضا و تمبر دولت قبول در انتشارش از او و مختارات صاحبان که در حق آن تراد ندارد

(۳۱) غل

قیمت اشتراک
قیمت یکموزه در شاهی است
سالانه
بیزر هفت قران
و اعطای ایران دو قران
فارجیه دو از دوزان
بناگره ان مدارس تخفیف داده نخواهد شد
احترامت است بگویم بجهت اداره است

غل تو زین کتابخانه تزیین است
بهنیکی با جبهه طبع و شنبه توزیع
میشود
و جدا بونمان بهنگی گرفته میشود
قیمت اعلانات طریقی شاهی
بعد از قبول و نزهه اسمی شکرگین
ثبت و قلم خواهد شد

شعبان ۱۹ آوریل ۱۹۰۶
۳۱ و سایر ۱۹۰۶

علاقل

بریده ایست که در اثر برتری دولت و انتشار علوم و معارف از هرگز و قانع و انجبار و سیاست پادشاهی است و علوم و فنون و ادبیات و اختراعات و اکتشافات سخن بیز
مراسلات و کتب است مفیده از هر قبیل بشرط امضا و تمبر دولت قبول در انتشارش از او و مختارات صاحبان که در حق آن تراد ندارد